

HUMAN RIGHTS & ERADATION OF VIOLENCE ORGANIZATION
**Training and Empowerment of Young Advocates Professional Advocates in
Afghanistan**

مؤسسه حقوق بشر و محو خشونت
آموزش و توانمند سازی وکلای جوان افغانستان

بررسی رابطه چند همسری با خشونت علیه زنان
(مطالعه موردی شهر ولایت بامیان)

نویسنده: حمیده شجاعی

ولایت بامیان

سال ۱۳۹۹

حمیده شجاعی متولد سال ۱۳۶۷ دانش آموخته ای تحصیلات نیمه عالی در تربیه معلم بامیان در رشته علوم اجتماعی و همچنان رشته قضا و سارنوالی در مؤسسه تحصیلات عالی خصوصی بامیکا-ولایت بامیان است. او یکی از اشتراک کننده گان کلینیک حقوقی و محکمه تمثیلی حقوق بشر و محو خشونت در سال ۲۰۲۰ در مؤسسه حقوق بشر و محو خشونت بوده است. فعالیت های دیگر خانم شجاعی به عبارت اند از: مسؤول مرکز تعلیمی و مربی محلی در لیسه شیرین هزاره مرکز بامیان، تسهیلگر ولایتی در بخش تجارتهای کوچک، هماهنگ کننده ولایتی در بامیان از طرف مؤسسه برابری برای صلح و دموکراسی و همچنان تسهیلگر ولایتی از طرف (برنامه توانمند سازی باز مانده گان خشونت) SEJ/MRRD در مرکز ولایت بامیان.

چکیده

از نگاه اسلام و همچنان قوانین داخلی و بین المللی، زن جایگاه ویژه ای دارد که باید این جایگاه و مقام به عنوان یکی از حقوق اساسی زن مورد احترام قرار گرفته و دولت ها برای حفظ و بقای این حق کوشا باشند. هیچ انسانی به تنهایی قادر به ادامه حیات خویش نیست، بنابراین برای ادامه ای حیات خویش باید با انسانهای دیگر و محیط و ماحول خود ارتباط برقرار نماید. که یکی از راه حل های که به زندگی دو فرد مستقل و بالغ رنگ و بوی دیگر می بخشد موضوع ازدواج است که از یک طرف آنها را از تنهایی نجات داده و از طرف دیگر باعث تشکیل فامیل و زاد و ولد در بین شان می شود. ازواج یعنی جوهره شدن و جفت شدن یک زن و مرد که بدون کدام مشکل به طور شرعی و قانونی با هم ازدواج می نمایند.

و اما رابطه چند همسری به این معنی که یک فرد با بیش از چند زن ازدواج کرده باشد و یا چند زن به طور همزمان در عقد نکاح یک مرد باشد. که متأسفانه این پدیده ای ناپسند اجتماعی در افغانستان به یک عرف تبدیل شده که بیشتر از جوامع افغانستان در آتش این بلا هر روز و هر شب می سوزند و در اثر این مشکل زندگی زنا شویی آنها به جهنم تبدیل شده است. با وجودی که این عرف ناپسند از نظر قوانین داخلی و بین المللی منع شده است ولی باز هم چند همسری در هر جامعه به وضوح قابل دید می باشد. متأسفانه مشکلات ناشی از رابطه ای چند همسری به شدت جامعه افغانی را متأثر ساخته که حتی در اکثر مواقع منجر به جنگهای فامیلی شده و گاهی منجر به قتل زن و یا شوهر می گردد که ولایت بامیان نیز از این امر مستثنی نیست. بناً باید ذکر کرد که چند همسری یکی از عوامل بروز خشونت علیه زنان است. باید تذکر داد که هدف این تحقیق بررسی رابطه چند همسری با خشونت علیه زنان به عنوان مطالعه موردی در شهر ولایت بامیان می باشد. روش تحقیق حاضر میدانی بوده و جامعه آماری تحقیق را کلیه زنان متأهلی که کمتر از ۲۰ سال الی بیشتر از ۵۰ سال در شهر بامیان که شوهران شان بیشتر از یک همسر داشته باشند تشکیل داده است. شایان ذکر است که اطلاعات تحقیق از روش پرسشنامه ی ساختار یافته و با شیوه نمونه گیری تصادفی از یک نمونه ۲۱ نفری از جامعه آماری بدست آمده است. حجم نمونه ۲۱ زن متأهل است که ۱۱ نفر آن زن اولی و ۱۰ نفر آن زن دومی می باشد.

کلید واژه: ازدواج، خشونت، چند همسری

مقدمه

از آنجاییکه در کشور ما تبعیض ساختاری در تمام شئون زندگی وجود دارد با اینکه زنان منحصراً طرف ازدواج دارای نقش مشخص در انعقاد عقد می باشند. پس واقعا چه دلایلی وجود دارد که زنان قبول می کنند به عنوان زن دوم و چندم یک مرد متأهل در آیند. چنانچه ماده ۷۷ قانون مدنی افغانستان یکی از شرایط اساسی برای انعقاد عقد را رضایت طرفین می داند که در صورت عدم وجود آن، عقد باطل شناخته می شود. باید ذکر کرد که در افغانستان زنان در ازدواج خود نقشی ندارند و طبق خواسته ی فامیل و بزرگان تن به ازدواج می دهند. یکی دیگر از این رسوم ناپسند مانند بد دادن، بدل، ازدواج اجباری، ازدواج در طفولیت و امثال آن منجر به ازدواج های نامناسب می گردد.

ازدواج های اجباری که خانم ها مجبور شدند بدون رضایت با مردان متأهل تن به ازدواج دهند در واقع نداشتن خانواده و یا بی سرپرست بودن در بسیاری حالات در جامعه ای که به دختران هرگز فرصت کافی برای زندگی نمی دهند موجب می شود که در نبود مادر و پدر با ناتوانی های زیاد مواجه گردند و بار دوش اقارب و بستگان خویش شوند. به این لحاظ از روی ناچاری با مردان متأهل و یا مردانی که هم کفو شان نیست، ازدواج می کنند.

بنابراین نگاه جنسیتی در تمام شئون زندگی موجب تداوم ظلم و ستم برای زنان و خصوصاً دختران جوان می شود. زنان و دخترانی که برای فرار از فشارها تن به ازدواج با مردان متأهل می دهند، نه تنها زندگی خود را ویران می نمایند بلکه زندگی زن دیگری را نیز به مشکلات زیادی مواجه می سازند، که این مشکلات در اکثر اوقات سبب انواع متعددی از خشونت ها و دیگر نزاع های خانوادگی گردیده و گاهی منجر به مرگ یکی از زوجه ها می گردد.

مبحث اول: روش تحقیق

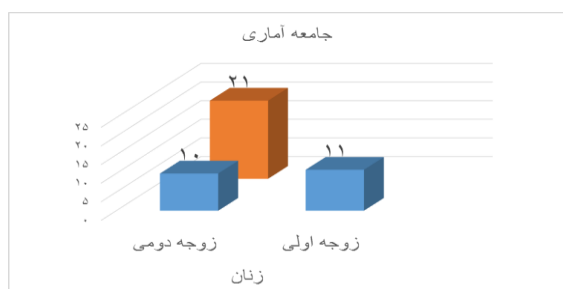
این مبحث در چهار گفتار جداگانه مورد بررسی قرار می گیرد.

گفتار اول: ملاحظات اخلاقی و مشکلات فرا روی تحقیق

۱. باید تذکر داد که در این تحقیق تا حد ممکن سعی شده است تا ملاحظات اخلاقی رعایت گردد. شرح و بیان هدف پژوهشگر، جلب رضایت پاسخ دهنده گان برای تکمیل پرسشنامه، داوطلبانه بودن و عدم اجبار شرکت کننده گان برای تکمیل پرسشنامه، حفظ گمنامی افراد و اختیار انصراف در همه مراحل تحقیق رعایت شده است.
۲. در این تحقیق با مشکلات زیادی روبرو شده ام، از جمله رویه عرفی و سنتی منطقه، که در اثر آن برای تحقیق و جمع آوری اطلاعات، محدودیت جدی ایجاد شد، نبود تجهیزات لازم جهت اجرای تحقیق، بودجه شخصی و دیگر مشکلات جزئی که سد راه این تحقیق بود.

گفتار دوم: روش گرد آوری اطلاعات تحقیق

اطلاعات تحقیق از روش پرسشنامه ای ساختار یافته و با شیوه نمونه گیری تصادفی از یک نمونه ۲۱ نفری از جمعیت متأهل چند همسری شهر بامیان (جامعه آماری تحقیق) بدست آمده است. حجم نمونه ۲۱ زن متأهل است که ۱۱ نفر آن زن اولی و ۱۰ نفر آن زن دومی می باشد.



ملاک های ورودی عبارت اند از زنان متأهلی که شوهران شان بیشتر از چند همسر داشته باشد و حجم نمونه ای تصادفی باید از شهر بامیان انتخاب گردد.

گفتار سوم: ملاک های خروجی تحقیق

مشخص شدن میزان بروز خشونت از سوی شوهران علیه همسران شان در فامیل های چند همسری و رعایت عدالت بین همسران و در نهایت اینکه چه رابطه بین چند همسری و خشونت علیه زنان وجود دارد. پرسشنامه ها شامل دو بخش می باشد که بخش اول شامل پرسش های بسته در مورد آگاهی از قوانین و شریعت اسلامی در راستای چند همسری، میزان سطح رضایت زنان از شوهران شان و رعایت عدالت بین همسران، میزان و انواع خشونت که در خانواده های چند همسری وجود دارد و دلایل ازدواج های مجدد از دیدگاه آنان می باشد. و بخش دوم شامل پرسش های باز در مورد تأمین نفقه، دلیل ادامه ای زندگی مشترک در وضعیت فعلی اختیاری است یا ناگزیر، خشونت چیست و در صورت اعمال خشونت از سوی شوهر به کدام ارگان ها مراجعه می گردد.

گفتار چهارم: توصیف ویژگی های اجتماعی جمعیت پاسخ گویان

گروه های	کمتراز	۲۰الی۲۹	۳۰الی۳۹	۴۰الی۵۰	بیشتر از ۵۰	جنسیت
سنی	سال	سال	سال	سال	سال	

زن	۴/۷٪	۳۳/۳۳٪	۱۹/۰۴٪	۱۹/۰۴٪	۲۳/۸۰٪	به اساس فیصدی
		بی سواد	بالا تر از سطح ابتدایی (باسواد)		سطح سواد پاسخ گویان	
		۵۷/۱۴٪		۴۲/۲۵٪		به اساس فیصدی

توضیح جدول:

بررسی ویژگی های اجتماعی پاسخ گویان نشان می دهد که ۲۳/۸٪ پاسخ گویان کمتر از ۲۰ سال، ۱۹/۰۴٪ از ۲۰ الی ۲۹ سال، ۱۹/۰۴٪ از ۳۰ الی ۳۹ سال، ۳۳/۳۳٪ از ۴۰ الی ۵۰ سال و ۴/۷٪ بیشتر از ۵۰ سال سن داشته اند. سطح تحصیلات پاسخ گویان به طور اوسط ۴۲/۸۵٪ آنان بالاتر از سطح ابتدایی بودند و ۵۷/۱۴٪ زنان پاسخگو بیسواد بودند.

مبحث دوم: تعاریف نظری مفاهیم مرتبط به تحقیق

این مبحث در دو گفتار جداگانه مورد بررسی قرار می‌گیرد.

گفتار اول: چند همسری

۱- تعریف چند همسری

اصطلاح چند همسری در مقابل تک همسری فی نفسه واژه ای عام بوده و غالباً شامل چند زنی می‌شود، در واقع چند همسری نوعی ازدواج است که داشتن بیش از یک زن را مجاز می‌شمارد. اصطلاح چند همسری از حیث ریشه‌شناسی تعدد زوج یا زوجه را مشخص نمی‌کند، اما کاربرد تاریخی آن همیشه به مفهوم زناشویی مرد با بیش از یک زن بوده است. (رضایی، ۱۳۹۰)

۲- مسأله چند همسری در افغانستان

در واقع انگیزه و عامل تعدد زوجات در افغانستان، از ویژگی‌های نظام قبیله‌ای و سنتی این سرزمین به شمار می‌رود که گاه زنان را قربانی قراردادها، سنت‌ها، و روابط ظالمانه‌ای اجتماعی می‌نماید. ازدواج‌های مجدد مردان در افغانستان هرگز عامل شرعی و قانونی ندارد، بلکه عوامل و موضوعات شخصی بیشتر دخیل است که به طور نمونه می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود؛

✓ نداشتن فرزند پسر

✓ بی‌اولادی

✓ بیماری زن

✓ رقابت‌های قومی و قبیله‌ای

✓ تفاوت‌های قومی و اقتصادی. (رضایی، ۱۳۹۰)

با وجودیکه ماده ۸۶ قانون مدنی افغانستان چنین صراحت دارد: مرد تحت شرایط آتی می‌تواند بیش از یک زن داشته باشد:

✓ در حالتی که خوف عدم عدالت بین زوجات موجود نباشد.

✓ شخص کفایت مالی برای تأمین نیازمندی‌های اولیه زوجات را دارا باشد.

✓ در حالت مصلحت مشروع مانند عقیم بودن زوجه اولی و یا مصاب بودن وی به امراض صعب‌العلاج. (قانون

مدنی، ۱۳۵۵)

از طرف دیگر، ماده ۳۷ قانون منع خشونت علیه زنان نیز بیان می‌دارد: «شخصی که بدون رعایت احکام مندرج مواد ۸۶ و ۸۹ قانون مدنی افغانستان، با بیش از یک زن ازدواج نماید حسب احوال به حبس قصیری که از سه ماه کمتر نباشد محکوم می‌گردد». (قانون منع خشونت علیه زن، ۱۳۸۸)

گفتار دوم: خشونت علیه زنان

۱. تعریف خشونت

خشونت شکل افراطی رفتار پرخاشگرانه است، که تحت تأثیر عوامل زیست‌شناختی، اقتصادی، اجتماعی و یا سیاسی و تحت شرایط خاص از حالت نهفته به حالت انفجار می‌رسد. (رضایی، ۱۳۹۰)

۲. انواع خشونت

خشونت علیه زنان شامل هر عمل قهر آمیز است که بالفعل یا بالقوه منجر به آسیب یا رنج جسمی، جنسی و یا روانی زنان شود یا هر نوع تهدید به اعمال رفتار خشونت آمیز، سلب اختیار و یا محرومیت اجباری از آزادی در زندگی عمومی و یا خصوصی می باشد. خشونت علیه زنان انواع مختلف دارد که در زیر فهرست می گردد:

- ✓ **خشونت جسمی:** خشونتی که با صدمات جسمانی همراه باشد همچون ضرب و شتم، شکنجه و کارهای شاقه و اجباری. (شبکه جامعه مدنی و حقوق بشر، ۱۳۸۶)
- ✓ **خشونت روانی:** رفتاری است جهت کنترل و مطیع کردن زن، با ایجاد ترس و رعب، تحقیر و توهین. (ترجمه: پیرام، ۱۳۸۵)
- ✓ **خشونت اقتصادی:** در مضیقه ی مالی قرار دادن، محروم نمودن از حقوق مالی، محروم ساختن زن از لباس و مسکن، فقر غذایی و از بین بردن و غصب اموال زن، از جمله خشونت های اقتصادی علیه زنان به شمار می رود.
- ✓ **خشونت جنسی:** شامل مزاحمت جنسی، تجاوز جنسی و ... می باشد. (فرنچ، ۱۳۷۳)
- ✓ **خشونت بهداشتی:** شامل زایمان های غیر صحی، محروم ساختن زنان از دسترسی به دارو و درمان است.

مبحث سوم: یافته های تحقیق

در عالم بشریت ازدواج یک سنت فطری و طبیعی است که از دیر باز به عنوان یک نهاد اجتماعی شناخته شده است. در شریعت و قوانین نیز با دید تأکید و اهتمام به آن نگاه شده، زیرا که مصلحت فرد و اجتماع در گرو پیمان زناشویی است. در مکتب اسلام ازدواج به عنوان سنت حسنه و مستحب مؤکد یاد شده است که می توان نصف ایمان یک مسلمان را از خطر لغزش و انحراف مصئون نگه دارد. در حالت نورمال و طبیعی ازدواج تنها میان یک زن و یک مرد به وقوع می پیوندد، اما در حقیقت انواع از ازدواج که در اسلام وجود دارد شامل ازدواج مؤقت در مذهب تشیع و تعدد زوجات در میان تمام مسلمانان می شود. غالباً کشورهای اسلامی در قوانین خود تعدد زوجات را تحت شرایطی مجاز می دانند که متأسفانه این شروط هیچ گونه پشتوانه ای اجرایی ندارد (رضایی، ۱۳۹۰). مهمترین شروط چند همسری که در اسلام و قوانین افغانستان ذکر یافته است، مسأله رعایت عدالت بین همسران و تأمین نفقه زنان از سوی شوهران است که در تحقیق حاضر به اساس اطلاعات استخراج شده از پرسشنامه ها، این شروط هیچ وقت از سوی شوهران جمعیت پاسخ گویان رعایت نمی گردد. اکثریت خانم ها، آگاهی نسبی در مورد تعدد زوجات از دیدگاه شریعت و قوانین ندارد.

گفتار اول: سطح آگاهی زنان از رابطه چند همسری

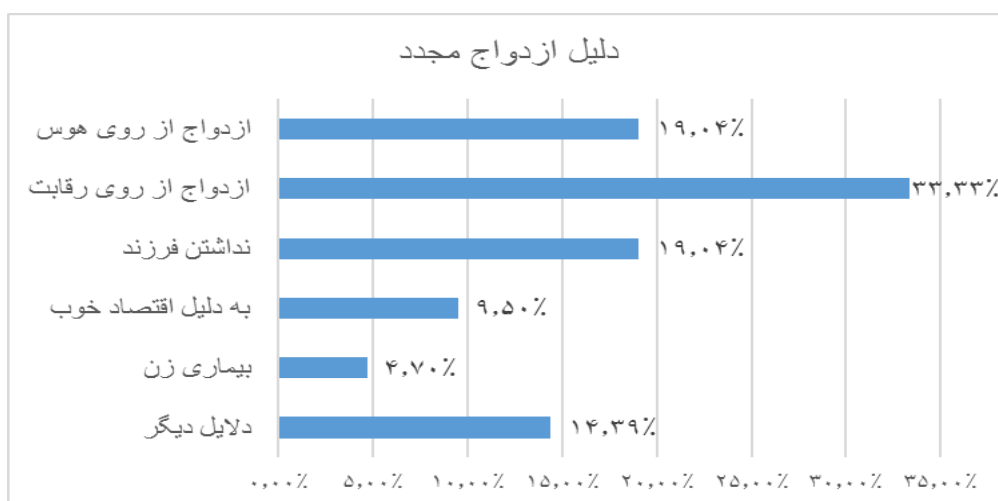
مصاحبه ای که با ۲۱ زن متأهل بین سن کمتر از ۲۰ الی بیشتر از ۵۰ سال از تاریخ ۳۰ میزان الی ۲ عقرب سال ۱۳۹۹ ه.ش صورت گرفت، نشان می دهد که ۷۱/۴۲٪ زنان پاسخگو در مورد تعدد زوجات از دیدگاه اسلام آگاهی نداشتند و نمی دانستند که شرایط تعدد زوجات چیست. و ۹۵/۲۳٪ از پاسخ گویان نیز در مورد تعدد زوجات از دیدگاه قوانین افغانستان آگاهی نداشتند. اطلاعات پرسشنامه ها نشان می دهد که شوهران بدون کدام مشوره با زن اولی و بدون کدام عذر شرعی و قانونی مبادرت به گرفتن زن دوم کرده اند و از طرف دیگر، ۵۰٪ از زنان دومی حجم نمونه تحقیق، از زن اولی شوهران شان آگاه نبوده اند.

گفتار دوم: پیامد های چند همسری

اطلاعات استخراج شده از پرسشنامه های این تحقیق نشان می دهد، که چند همسری در خانواده های ساحه شهری مرکز بامیان یکی از عوامل بروز خشونت علیه زنان است. در این تحقیق ۹۵/۲۳٪ جمعیت پاسخ گویان، خشونت را از سوی شوهران شان متحمل شده اند و ۴/۷٪ پاسخ گویان هیچ خشونت را از سوی شوهران شان تجربه نکرده است. باید تذکر داد که عدالت نیز در خانواده های چند همسری بین زنان رعایت نمی گردد، این در حالی است که ۹۵/۲۳٪ زنان اظهار داشتند که شوهران شان عدالت را بین همسران خود رعایت نمی کنند و ۴/۷٪ آنان در این مورد اظهار نظر نکردند. قابل یاد آور است که جمعیت پاسخ گویان این تحقیق اکثریت شان از زندگی خویش رضایت نداشتند. به زبان آمار و ارقام، ۴۲/۸۵٪ زنان پاسخگو سطح رضایت شان از زندگی فعلی پایین و ۳۳/۳۳٪ شان خیلی پایین بودند، ۲۳/۸٪ هیچ نظری در این مورد ارائه نکرده اند. ۹۰٪ جمعیت پاسخ گویان اظهار داشتند که نفقه و مصارف تداوی امراض شان از جانب شوهران تهیه نمی گردد و از جانب دیگر مورد خشونت هم قرار می گیرند و عدالت بین همسران نیز رعایت نمی گردد که فیصدی اعمال خشونت و فقدان تأمین عدالت در بالا ذکر گردیده است. عوامل متذکره باعث پائین آمدن گراف سطح رضایت از زندگی فعلی شان شده است.

گفتار سوم: دلایل ازدواج مجدد

مهمترین دلایل تعدد زوجات در شهر بامیان به اساس اطلاعاتی که جمعیت پاسخ گویان این تحقیق ارائه داده اند، قرار ذیل فهرست می گردد:



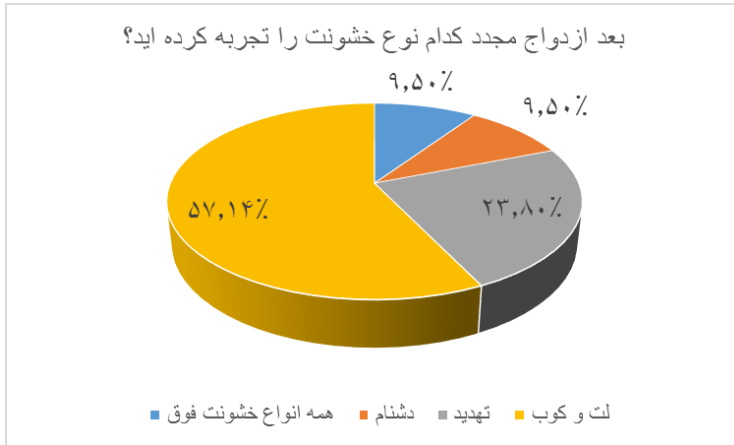
شرح گراف:

۱. بر اساس معلومات ارائه شده توسط پاسخ دهنده گان باید اظهار داشت که ۱۹/۰۴٪ ایشان بیان داشتند که ازدواج مجدد شوهران شان از روی هوا و هوس و خواهشات نفسانی بوده است.
۲. ۳۳/۳۳٪ دیگر شان پاسخ داده اند که شوهران شان از روی رقابت و لجاجت، چند همسری را اختیار کرده اند.
۳. ۱۹/۰۴٪ دیگر آنها اظهار داشتند که عامل تعدد زوجات شوهران شان، نداشتن فرزند پسر بوده است.
۴. ۹/۵٪ اقتصاد خوب، ۴/۷٪ بیماری زن اولی و ۱۴،۳۹٪ عوامل دیگر را دلایل ازدواج مجدد می دانند.

با وجودیکه ۸۰٪ حجم نمونه تحقیق حاضر اعتقاد داشتند که مردان در صورتی می توانند چندین همسر را اختیار نمایند که هیچ فرزندی از زنان قبلی شان نداشته باشند و دلیل ازدواج های مکرر مردان، نداشتن فرزند باشد و ۲۰٪ باقی مانده شان در این مورد اظهار نظر نکردند.

گفتار چهارم: انواع خشونت های برخاسته از چند همسری

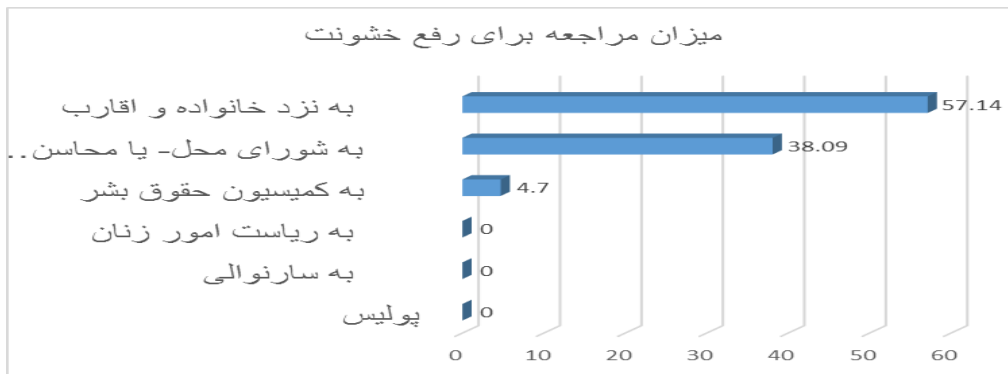
بر بنیاد اطلاعات پرسشنامه ها، جمعیت زنان پاسخگو انواع خشونت از قبیل لت و کوب، سرو صدا، تهدید، راندن از خانه و انزوای اجباری از سوی شوهران شان را متحمل می شوند.



توضیح پای چارت: ۵۷/۱۴٪ شان مورد لت و کوب، ۲۳/۸٪ تهدید، ۹/۵٪ مورد دشنام و ۹/۵٪ آنها همه انواع خشونت را از سوی شوهران شان تائید کرده اند.

گفتار پنجم: میزان مراجعه برای رفع خشونت

بر اساس آمار بدست آمده این تحقیق ۵۷/۱۴٪ پاسخ دهنده گان بعد از اینکه مورد خشونت قرار گرفته اند از روی ناچاری به خانه پدران شان پناه بردند. اما بعد از مدتی به اساس ملاحظات خانواده پدر، پس به خانه شوهران شان برگردانده شده اند. باید متذکر شد که ۳۸/۰۹٪ دیگر زنان پاسخ دهنده اظهار داشتند که از مشکلات شان به شورای محل و متنفذین منطقه مراجعه کردند ولی باز هم مشکلات شان به طور ریشه ای حل نشده است. و ۴/۷٪ شان به کمیسیون مستقل حقوق بشر مراجعه کردند که باز هم کدام نتیجه ای مطلوبی بدست نیاورده اند. پاسخ دهنده گان اظهار داشتند که بعد از چندین بار مراجعه به ارگان های متذکره، باز هم خشونت در خانواده های شان کاهش نیافته است و حالا دیگر به خشونت ها عادت کرده اند. و اظهار داشتند که ما سعی می کنیم به یک قسم زندگی مشترک خود را ادامه بدهیم. که از این جمله ۸۰/۹۵٪ شان از روی مجبوریت و به خاطر حرف های مردم و فرزندان شان به زندگی رقت بار شان ادامه می دهند.



مبحث چهارم: نتیجه گیری و پیشنهادات

گفتار اول: بحث و نتیجه گیری

خشونت عاملی است که زندگی انسان را به تباہی می کشاند و تعدد زوجات یا چند همسری یکی دیگر از عوامل خشونت است که متأسفانه این عرف ناپسند اجتماعی، زندگی مشترک زن و مرد را به جهنم تبدیل می نماید. بناً با در نظر داشت یافته های این تحقیق باید اظهار داشت که چند همسری و یا تعدد زوجات در کشور سنتی و عقب مانده همچون افغانستان و مخصوصاً در ولایات دور افتاده ی چون بامیان رابطه ای مستقیم دارد. یعنی به هر اندازه ی که دامنه ای تعدد زوجات وسیع تر شود، دامنه ای خشونت نیز وسیع تر و عمیق تر خواهد شد. چون اولاً افغانستان و مخصوصاً بامیان اکثریت ساکنان آن از لحاظ اقتصادی زیر خط فقر هستند و دقیقاً تعدد زوجات در این طبقه بیشتر مرسوم است که این امر باعث می گردد مردان چند همسری، نتوانند نفقه و نیاز های اولیه زنان خویش را تأمین نمایند و این فشار اقتصادی تأثیر مستقیم بر نظام روحی و روانی مردان و زنان خانواده ها دارند که آهسته، آهسته برای خشونت بستر سازی می شود. و از طرف دیگر، در این حالت که فقر طغیان می کند و آشفتگی روحی و روانی گراف بالای دارد، قطعاً عدالت نیز بین همسران در خانواده های چند همسری رعایت نمی گردد. چون زنان تنها نیاز مادی ندارند، بلکه نیازمند آرامش خاطر و آسودگی روانی نیز هستند. به این ملحوظ با افکار آشفته و منطق خشن نمی شود که به همسران خویش آرامش روانی هدیه کرد.

بنابراین، مقاله ای تحقیقی حاضر که هدف بنیادی اش بررسی رابطه ی چند همسری با خشونت علیه زنان به عنوان مطالعه موردی در ولایت بامیان است که بعد از اطلاعات بدست آمده از طریق تحقیق میدانی و نمونه گیری به تجزیه و تحلیل اطلاعات پرداخته شده است، که یافته های مشخصی را به زبان آماری و احصائیوی در این ساختار پژوهشی، نظام مند شده است. به اساس اطلاعاتی که در یافته های تحقیق مشخص گردید، گفته می توانیم که انواع خشونت از قبیل سر و صدا، لُت و کوب، تهدید، انزوای اجباری و بیرون راندن بیشتر در خانواده های چند همسری برجسته و معمول می باشد. بناً زنان همیشه زندگی خشونت بار خویش را با مسأله ی تقدیر و سرنوشت و ناگزیری عرفی و فرهنگی توجیه می نمایند که این امر نشانگر فقدان آگاهی زنان از نظام اسلامی و دیگر قوانین داخلی و بین المللی است برای شان حق آزادی داده است، خصوصاً حق انتخاب همسر که یکی از حقوق مهم و اساسی آنها است.

بنابراین به این نتیجه می رسیم که نقش دولت درین رابطه خیلی ضعیف می باشد و متأسفانه هیچ برنامه ای برای نابودی این عمل و یا حداقل برای کم ساختن قربانی های اینگونه خشونت ها ندارد. و بدون شک این وظیفه مهم و اساسی دولت افغانستان است که در رابطه به ضررهای ازدواج های متعدد و یا چند همسری برای همه ای مردم خصوصاً در ولایات دور و دست کشور برنامه های آگاهی دهی روی دست گرفته شود تا همه ای مردم از مشکلات و ضرر های که از اثر ازدواج های چند همسری ایجاد می شود را بهتر بدانند تا آمار این نوع خشونت ها، به حداقل آن کاهش یابد.

گفتار دوم: پیشنهادات

- با در نظر داشت این تحقیق، موارد زیر به عنوان راه حل مشکلات ناشی از تعدد زوجات پیشنهاد می گردد.
۱. شرایطی که در قانون مدنی افغانستان برای چند همسری ارائه شده است و در قانون منع خشونت نیز جرم انگاری شده اند، باید به مرحله اجرا گذاشته شوند.
 ۲. نهاد های مدنی و حقوق بشری و نهاد های مدافع حقوق زن باید در مورد خشونت علیه زنان دادخواهی های تداومی و ثابت داشته باشند و در این مورد پیگیر و قاطع باشند. در مورد حقوق و وجایب زنان نیز برنامه های مؤثر و جامعی روی دست داشته باشند.
 ۳. دولت و ارگان های ذیربط دولتی نیز در مورد کاهش خشونت علیه زنان برنامه های عملی داشته باشد و در بلند بردن سطح آگاهی مردان و زنان جامعه در عمل تلاش نماید.
 ۴. نهاد های تحقیقاتی باید در مسائل خشونت علیه زنان مستند سازی نماید و دلایل و چالش ها، راه حل های علمی و عملی را به ارگان های ذیربط دولتی پیشکش نماید.

منابع

- ۱ - مارلین، فرنچ، جنگ علیه زنان، ترجمه توراندخت تمدن، انتشارات علمی، تهران، سال ۱۳۷۳.
- ۲- دستنامه گفتمان حق زن در افغانستان، شبکه جامعه مدنی و حقوق بشر، کابل، سال ۱۳۸۶.
- ۳- رضایی، صدیقه، آسیب شناسی اجتماعی زنان افغانستان، نشر امیری، سال ۱۳۹۰.
- ۴ - قانون مدنی، جلد دوم، جریده رسمی ویژه اسناد بین المللی حقوق بشر، کمیسیون مستقل حقوق بشر، سال ۱۳۸۱.
- ۵- قانون منع خشونت علیه زن، جریده رسمی، وزارت عدلیه، شماره ۹۸۹، سال ۱۳۸۸.
- ۶- مقاله سو استفاده احساس، ترجمه محمد رضا پدram، ماهنامه حقوق بشر، سال چهارم، شماره هفتم، میزان ۱۳۸۵.